

یادداشت سردبیر

این شماره فصلنامه سیاست خارجی در پایان سال ۲۰۰۸ میلادی به دست شما خواننده گرامی می‌رسد. مناسب دیدیم یادداشت سردبیر این شماره را به مروری کوتاه بر وقایع مهم سال ۲۰۰۸ اختصاص دهیم. واژه «تغییر» را می‌توان از مهمترین واژه‌هایی دانست که در سال ۲۰۰۸ بیشترین کاربرد را داشت. البته نه از آن جهت که این واژه شعار انتخاباتی باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا بود بلکه از آن جهت که جهان شاهد تغییرات مهمی بود. شعار تغییر داده شده در آمریکا از آن جهت که موجب تغییر در حکومت آمریکا شد چندان مهم نیست بلکه از این جهت که سرآغاز تحولی مهم در نظام بین‌الملل می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد. با فروپاشی نظام شوروی در اوایل دهه ۹۰ میلادی که جنگ سرد پایان یافت نظام بین‌الملل شاهد نظم جدیدی شد که در آن تنها یک ابرقدرت با فاصله‌ای زیاد از دیگر قدرت‌ها وجود داشت و هیچ قدرت دیگری تمایل به رقابت با تنها ابرقدرت (امریکا) را نداشت و همین موضوع باعث گردید که تعریف جدیدی از نظام بین‌الملل به نام نظام تک‌قطبی ارائه گردد.

در دهه ۹۰ میلادی چهره‌ای آرمانی از نظام بین‌الملل تک‌قطبی ارائه می‌شد. تأکید بر جهانی‌شدن ارزش‌های انسانی، کاهش حوزه اقتدار دولت‌ها و افزایش جایگاه بازیگران غیردولتی در نظام بین‌الملل، حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی و برداشته شدن مرزها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و تأکید بر فعالیت‌های بشردوستانه سازمان‌های بین‌المللی تا دخالت بشردوستانه در استقرار حکومت‌های غرب‌گرا (نظیر تهاجم ناتو به یوگسلاوی) در جهان را می‌توان از مهمترین ویژگی‌های نظام تک‌قطبی دهه ۹۰ دانست. تعریف آرمان‌گرایانه از نظام تک‌قطبی دهه ۹۰ مسلماً نمی‌توانست تنها ابرقدرت حاکم را تأمین نماید چرا که در چنین صورتی ابرقدرت حاکم فقط هزینه‌های نظام بین‌الملل تک‌قطبی را پرداخت می‌کرد.

با ورود نومحافظه‌کاران به کاخ سفید تعریف واقع‌گرایانه از نظام بین‌الملل تک‌قطبی جایگزین تعریف آرمان‌گرایانه شد و منافع تنها ابرقدرت کانون توجه فعالیت‌های بین‌المللی آمریکا گردید. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز این امکان را برای آمریکا فراهم ساخت تا با کمک قدرت نظامی تعریف واقع‌گرایانه‌ای از نظام تک‌قطبی را بر جهان تحمیل کند. تهاجم آمریکا به افغانستان و در پی آن اشغال عراق که بدون توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده در شورای امنیت سازمان ملل صورت گرفت تصویری از نظام بین‌الملل تک‌قطبی متکی بر قدرت نظامی را به جهانیان ارائه نمود.

به چالش کشیده‌شدن قدرت نظامی آمریکا در عراق و عدم توانایی نیروهای متحد آمریکا و ناتو در آرام‌سازی افغانستان و گسترده‌ترشدن حوزه فعالیت تروریست‌ها ناشی از

اشتباهات استراتژیک آمریکا در مبارزه با تروریسم در نقاط مختلف جهان که ضربه به منافع آمریکا و متحدین او را هدف استراتژیک خود برگزیده‌اند در کنار ظهور قدرت‌های جدید مانند روسیه، چین، هند و برزیل در عرصه بین‌المللی باعث گردید تا شکی بزرگ در واقعیت وجودی نظام تک‌قطبی شکل گیرد و تعریف‌های جدیدی از نظام بین‌الملل با استفاده از مفاهیمی چون نظام چندقطبی یا نظام بی‌قطبی صورت گیرد.

باتوجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که شعار تغییر داده شده توسط اوباما به عرصه داخلی آمریکا محدود نگشته بلکه واقعیت‌های جدیدی را در عرصه بین‌المللی رقم خواهد زد. البته نه از آن جهت که رهبری این تغییر را آمریکا برعهده داشته باشد بلکه از آن جهت که شکست‌های سنگین نومحافظه‌کاران در داخل و خارج آمریکا فرصت‌های ارزشمندی را در اختیار رقبای سنتی و جدید آمریکا برای ایفای نقش فعال‌تر بین‌المللی قرار داده است.

واقعیت آن است که دنیا به شدت در حال تغییر است. اقتصادهای جدید در حال ظهور است. روسیه، برزیل، هند، چین، مکزیک و دیگر قدرت‌های جدید اقتصادی شرایط جدیدی را بر نظام اقتصاد جهانی حاکم خواهند نمود. بحران اقتصادی اواخر سال ۲۰۰۸ آمریکا که هزینه بسیار سنگینی را بر اقتصادهای همراه آمریکا تحمیل نمود این هشدار را به تمامی قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور داد که نمی‌توان تمام اقتصاد جهان را با یک کشتی به رهبری آمریکا حمل نمود و حتماً ضروری است تا کانون‌های اقتصادی دیگری شکل بگیرند و نظام اقتصادی بین‌الملل جدیدی با همکاری کانون‌های مستقل اقتصادی دیگر به وجود آید.

در سال ۲۰۰۸، شاهد تغییرات عجیبی در قیمت انرژی بودیم. در این سال هم شاهد اوج قیمت و هم شاهد اُفت شدید قیمت نفت بودیم. به اوج رسیدن قیمت نفت کشورهای مصرف‌کننده خصوصاً قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور مانند چین و هند را نگران ساخت و اُفت شدید قیمت باعث نگرانی تولیدکنندگان نفت و سرمایه‌گذاران در این صنعت شد. تغییرات در قیمت نفت در سال ۲۰۰۸ مسلماً تغییرات زیادی را در بسیاری از عرصه‌های انرژی وابسته به نفت و سیاست‌های انرژی کشورها ایجاد خواهد کرد و بر تمامی برنامه‌های توسعه کشورها اثر خواهد گذاشت.

تغییرات شدید قیمت نفت باعث خواهد شد تا کشورهای تولیدکننده به جای تکیه بر قیمت نفت تلاش کنند روش‌های دیگری را برای تضمین درآمدها و تثبیت برنامه‌های توسعه خود پیدا کنند که در این راستا به نظر می‌رسد تغییر روش در معاملات انرژی را می‌توان در آینده شاهد بود.

تغییرات در اروپا از جمله تغییرات مهم دیگر در سال ۲۰۰۸ محسوب می‌شود. برای اروپا خصوصاً اتحادیه اروپا مسأله همگرایی همچنان یک بحث مهم است؛ ولی این همگرایی در

عرصه اقتصادی محدود شده به دیگر عرصه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی گسترش نیافته است. اروپا یک گول اقتصادی و یک کوتوله‌سیاسی است و اگر بخواهد نقش بیشتری در تحولات بین‌المللی ایفا کند نیازمند به‌دست‌آوردن قدرت سخت در سطح سیاست خارجی و امنیتی است. تجربه تلخ اروپا در جریان مباحث شورای امنیت سال ۲۰۰۳ که علی‌رغم مخالفت فرانسه و آلمان، آمریکا به عراق حمله کرد و تجربه ناراحت‌کننده دیگر اروپا در جریان حمله روسیه به گرجستان که موجب شکاف بین اعضای قدیم اتحادیه که می‌خواستند همکاری و رابطه آنان با روسیه تخریب نشود و مجموعه‌ای از اعضای جدید در اروپای مرکزی که می‌خواستند تحریم‌هایی را بر روسیه اعمال کنند نشان داد که اروپا همچنان نیازمند تغییر است و اتحادیه تا رسیدن به یک همگرایی بیشتر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی با تغییرات زیادی روبرو خواهد بود.

ده‌ها سال است که جهان از یک مجموعه منازعه‌هایی که موجب شکل‌گیری مناطق بی‌ثبات شده در رنج است. خاورمیانه، آسیای جنوبی، شبه جزیره کره و آفریقای مرکزی از مهمترین مناطق بی‌ثبات جهان محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۰۸، شاهد تغییراتی در برخی از منازعات بودیم؛ البته برخی از تغییرات در جهت آرام‌شدن و برخی از تغییرات در جهت حادث شدن بحران‌ها بودند. آرام‌شدن نسبی اوضاع عراق را می‌توان از جمله بحران‌هایی دانست که تغییرات به سمت آرامش بوده و شرایط پاکستان را می‌توان از جمله بحران‌هایی دانست که به سمت حادث شدن بوده است.

در بین بحران‌های مهم بین‌المللی، منازعه فلسطین را می‌توان طولانی‌ترین منازعه جهان و خاورمیانه دانست که علی‌رغم تمامی تلاش‌هایی که صورت می‌گیرد چون به ریشه اصلی بحران که اشغال صهیونیستی است توجه نمی‌شود، آینده روشنی برای حل و فصل بحران فلسطین به چشم نمی‌خورد. ریشه و بنیان منازعه فلسطین به اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها بازمی‌گردد و تمامی تلاش‌های صلح بر این بنیاد است که بین اشغالگران و کسانی که از خانه‌هایشان بیرون رانده شده‌اند به صورت ناعادلانه سازش صورت گیرد که چنین سازشی در عمل غیرممکن است. لذا، تا زمانی که تغییری استراتژیک در نحوه نگاه به ریشه‌های بحران فلسطین صورت نگیرد تغییری در بحران فلسطین ایجاد نخواهد شد.

تغییرات در افغانستان در سال ۲۰۰۸ به سمت درگیری‌های بیشتر بین طالبان و نیروهای دولتی که از حمایت نیروهای آمریکای ناتو برخوردار هستند حرکت کرد. در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ منابع مختلف اطلاعاتی خبر از کنترل مناطق وسیعی از افغانستان توسط طالبان دادند و صحبت از مذاکرات بین دولت و طالبان به میان آمد که نشان‌دهنده قدرت‌گیری طالبان از زمان تهاجم نیروی ائتلاف به افغانستان است که علی‌رغم تمامی تلاش‌های آمریکا و

ناتو نشان می‌دهد که شورشیان افغانستان موقعیت‌های بیشتری به دست آورده‌اند. این موضوع باعث می‌شود که با آغاز فصل بهار در سال ۲۰۰۹ درگیری‌های بیشتری را در افغانستان شاهد باشیم.

بحران‌های دیگر در مناطق مختلف جهان همچون درگیری‌های سومالی بین حکومت سومالی مورد حمایت اتیوپی با شورایی‌عالی دادگاه‌های اسلامی، درگیری حکومت کلمبیا با جنبش فارک، درگیری حکومت پرو با جنبش راه درخشان، درگیری‌های هند در کشمیر، درگیری حکومت فیلیپین با جنبش آزادی‌بخش مورو، درگیری حکومت سریلانکا با بربهای تامیل، درگیری حکومت میانمار با اتحاد ملی کارن و درگیری‌های ترکیه با جدایی‌طلبان پ.ک.ک از مهمترین منازعات ادامه‌دار در سال ۲۰۰۸ محسوب می‌شوند که علی‌رغم گرفتن جان هزاران نفر هنوز چشم‌انداز روشنی در مقابل دیده نمی‌شود.

در کنار تهدیدات سنتی یادشده، تهدیدات جدیدی را هم شاهد هستیم که ابعاد جهانی دارند و سهم مهمی در امنیت جهانی ایفا می‌کنند. تغییرات آب و هوایی، تخریب محیط زیست، کاهش منابع انرژی، کاهش منابع آب، افزایش بهای مواد غذایی، فجایع طبیعی و امراض اپیدمیک از جمله تهدیدات جدید در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند که در گذشته جامعه بشری توجه خاصی به آنها نداشت. اما تحولات جهانی موجب تغییر در نگرش جامعه بشری به این نوع از تهدیدات شده است. آثار دهشتناکی که تغییرات آب و هوایی و تخریب محیط زیست بر امنیت آینده بشر دارد از تهدیدات امنیتی برخی از منازعاتی که امروز خطرناک تصور می‌شوند بسیار بیشتر است؛ اما چون آگاهی لازم نسبت به ابعاد مختلف آن وجود ندارد این گونه تهدیدات جدی تلقی نمی‌شوند مگر آنکه تغییر در نگرش آحاد بشری نسبت به این نوع تهدیدات به وجود آید.

باتوجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت جهان در سال ۲۰۰۸ با واژه «تغییر» بسیار روبرو شد و تغییرات شگرفی را هم شاهد بود که از مهم‌ترین این تغییرات می‌توان به تغییر در نظام بین‌المللی اشاره کرد که این نگرش در بین تحلیل‌گران نظام بین‌الملل شکل گرفته است که دیگر نظام بین‌الملل را نمی‌توان نظامی تک‌قطبی نامید و به‌طور قطع نظام تک‌قطبی در حال تغییر است. اما در کنار تغییرات مهمی که در عرصه بین‌الملل در سال ۲۰۰۸ شاهد بودیم باید اعتراف کرد که همچنان جهان با منازعات و بحران‌های زیادی مواجه است که باید تغییرات مهمی اتفاق بیفتد تا آن بحران‌ها و منازعات حل و فصل شوند.

سیدرسول موسوی